شهرآرا

07
10
19

۲شنبه

۱۵ مهر ۱۳۹۸
۰۸ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۴۱

به وقت شله

مهدی محمدی

چینی نازک تنهایی پراید

دیده‌اید بعضی وقت‌ها بعد از تمام شدن میهمانی، صاحبخانه می‌رود دم در و مراسم خداحافظی با صاحبخانه کلی طول می‌کشد؟ مثلا دو ساعت می‌روند میهمانی ولی وقتی میهمانی تمام می‌شود و صاحبخانه پشت‌سرشان می‌آید بیرون، تازه صحبت‌هایشان گل می‌اندازد و سه ساعت با هم حرف می‌زنند؛ یعنی زمان خداحافظی دم در از زمان خود میهمانی بیشتر می‌شود. حالا پراید هم همین‌طور است. رسانه‌ها از سال ۹۵ دارند تیتر می‌زنند: «خارج شدن پراید از چرخه تولید». حتی شهریور سال ۹۶ تولید پراید ۱۱۱ متوقف شد ولی این توقفِ تولید، تنها یک ماه دوام آورد و شرکت سایپا با انتقالِ خطوط تولید از کاشان به تهران، دوباره زد توی کار تولید پراید ۱۱۱.

یعنی مدیرعامل سایپا همان‌طور که داشته با پراید ۱۱۱ خداحافظی می‌کرده، یکهو گفته: «حالا بیا تو، دم در بده!» خلاصه اینکه پراید همان‌طور دم در ایستاده و مراسم خداحافظی دیگر دارد خیلی طولانی می‌شود؛ البته بعید هم نیست یک روز از خواب بیدار شویم و ببینیم واقعا پراید دیگر تولید نمی‌شود. هرچند در مخیله نمی‌گنجد پرایدی که خیلی از انسان‌ها را به آخر خط رساند، خودش هم به آخر خط تولید برسد.

گذشته از این حرف‌ها خوب نیست پراید از پیشمان برود ولی هنوز از آن شناخت کافی نداشته باشیم. آن وقت ممکن است توی دلمان به پراید بگوییم: «وقتی اومدی، نفهمیدیم کی اومده، حالا که رفتی، فهمیدیم کی رفته!» پس در ستون به وقت شله امروز، آمده‌ایم سر وقت پراید و می‌خواهیم کمی درباره ویژگی‌های آن بگوییم:

- اگرچه استقامت سقف پراید در حد «چینی نازک تنهایی» سهراب سپهری است و ممکن است کارخرابی یک کلاغ روی آن باعث فرورفتگی سقفش شود، درعوض سقف قیمتی آن، خیلی محکم است و با اینکه دلار نسبت‌به تابستان سال قبل چندین هزار تومان کاهش یافته است، سقف قیمتی پراید مقاومت کرد و فرونرفت.

- سایپا برای آنکه روی کمک‌فنرهای پراید فشار زیادی نیاید، ابتکارات جالبی به خرج داده است. سایپا به‌تدریج، ضبط خودرو، زه بغل در و جعبه ابزاری را که داخلش انبردست، پیچ گوشتی و آچارچرخ بود، از روی پرایدهای تحویلی به مشتریان برداشته است تا ذره‌ای هرچند اندک فشار از روی کمک‌فنرهای پراید برداشته شود؛ البته ابتکار جالب سایپا برای کاهش فشار روی کمک‌های پراید به همین‌جا ختم نشد و الان چند سال است که حتی دستمال کاغذی با آرم سایپا که در زمان تحویل داده می‌شد، نیز حذف شده است.

- الان تورم تمام کالاها در حدی است که قیمت دست‌دوم یک کالا، از قیمت نو همان کالا در سال گذشته بیشتر است. یادمان نرود تا دو سه سال پیش، این ویژگی مختص پراید بود؛ یعنی پراید صفر می‌خریدند و سال بعد، پس از کلی تصادف و زدن به درودیوار، آن را می‌فروختند و این وسط کلی هم سود می‌کردند.

- اگر چه خیلی‌ها معتقدند که پراید اصلا خودروی راحتی نیست، هستند گروهی که به راحتی آن معتقدند و حتی می‌گویند: «اتفاقا هیچ خودرویی به راحتی پراید نیست». منظورم سارقان خودروست که روزبه‌روز رکوردهای یکدیگر را در رشته سرقتِ سرعتی پراید می‌شکنند و اکنون حتی کلیپ‌هایی که سرقت پراید در سه ثانیه را نشان می‌دهد، نیز منتشر می‌شود.

- کسانی که پراید دارند، ممکن است از خود بپرسند این دیگر چه وضعش است که سوئیچ ماشین دیگران بتواند در ماشین آن‌ها را هم باز کند. برای من هم مثل بقیه سوال بود که چرا فکری برای این عیب نمی‌اندیشند و کاری نمی‌کنند که سوئیچ یک پراید فقط در همان پراید را باز کند تا اینکه خیلی اتفاقی فهمیدم پشت هر کار خودروسازها، کلی فلسفه خوابیده است. یک‌بار که به‌خاطر عجله، سوئیچ ماشینم داخلش جامانده بود، مانده بودم چه‌کار کنم که راننده یک پراید دیگر متوجه قضیه شد و با کلید پراید خودش، در پراید من را هم باز کرد. همسان بودن سوئیچ خیلی پرایدها، هم باعث صرفه‌جویی در هزینه قفل‌سازی است، هم موجب صرفه‌جویی در وقت!

باهم بشنویم؛ خیال کی خونه؟ مهری احمدوند
ترانه و آهنگش از کیه؟ خود مهری احمدوند
مس‌وماش چیه؟ دلتنگی، عاشقانه و احساسی

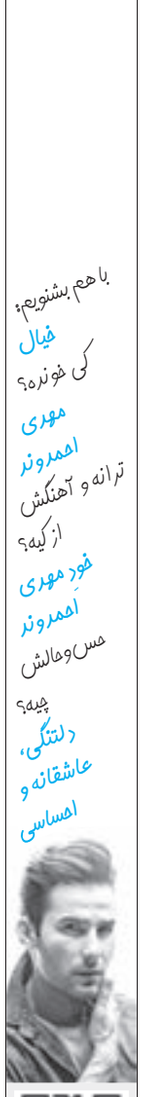

پایان ژانر وحشت

«سحر تبر»ها چطور پدید می‌آیند و مهم می‌شوند

ایمان فروزان‌نیا

ژانرهای مختلفی برای رسیـــدن به شهرت در اینستاگرام وجود دارد؛ یکی هرچه گیرش می‌آید، قاتی می‌کند و می‌خورد یا به قول خودش ترکیبی می‌زند. یکی هر روز یک جای جدید بدنش را خالکوبی می‌کند. آن یکی هفته‌ای هفت روز به مخاطبانش فحش می‌دهد و فحش می‌شنود. یکی با کریه‌ترین صدایی که می‌شود متصور شد، آهنگ خواننده‌های معروف را می‌خواند و یکی هم مثل «سحرتبر» می‌زند توی کار ژانر وحشت. سحر تبر از دیروز به داغ‌ترین سوژه فضای مجازی تبدیل شده است؛ نه برای چشم‌های گود و کبود یا بینی ترسناک یا لب‌های پروتزکرده و ناخن‌های بلندش، بلکه بابت خبر بازداشت شدنش. فاطمه.خ، اینفلوئنسر بیست‌وچهار ساله اینستاگرامی که همه او را با اسم سحر تبر می‌شناسند و بابت عمل‌های زیبایی زیاد، گریم عجیب و ترسناک صورتش و لاغری بیش از اندازه‌اش شهرت دارد، به دستور دادسرای ارشاد تهران بازداشت شده است و باید در قبال جرایمی مثل ترویج خشونت، تحصیل مال ازطریق نامشروع، توهین به مقدسات، توهین به حجاب اسلامی، گسترش اباحه‌گری و تشویق جوانان به فساد پاسخ‌گو باشد. در زمینه قضایی تخصصی نداریم و نمی‌خواهیم در این مطلب بررسی کنیم که آیا او مستحق مجازات است یا نیازمند کمک و حمایت جدی روانکاوی، بلکه می‌خواهیم ببینیم سحر تبرها چطور پدید می‌آیند و این‌قدر مهم می‌شوند.

شهرت، ثروت، وحشت

تعداد دنبال‌کننده‌هایش حدود نیم‌میلیون نفر بود و بدون شک یکی از شاخ‌های معروف اینستاگرام ایرانی در دنیاست. در این چندسالی که در اینستاگرام فعالیت می‌کند، رسانه‌های ایرانی و خارجی زیادی به داستان زندگی او و تلاشش برای شبیه شدن به آنجلینا جولی نوشته‌اند؛ تلاشی که دست‌آخر به یک فاجعه رسیده و سحر تبر را بیشتر شبیه کاراکتر عروس مردگان در پویانمایی معروف تیم برتون کرده است اما به‌هرحال شهرت، شهرت است و پشت‌سرش پول هم می‌آید. صفحه اینستاگرام سحر پر بود از تبلیغ مواد آرایشی، اکستنشن یا حتی رستوران‌هایی که گاه‌وبی‌گاه به آن‌ها سر می‌زد. قیمت هر تبلیغ هم کمتر از ۳میلیون تومان نبوده است. نکته تأمل‌برانگیز و عجیب اینکه صاحبان مشاغل مختلف از تبلیغ در صفحه این شاخ‌های مجازی بازخورد می‌گیرند و برای همین است که تبلیغاتشان را تکرار می‌کنند. اینجاست که باید پرسید یعنی واقعا کسی هست که بخواهد مثل سحر تبر شود؟

سحر و لشکر زامبی‌ها

موتور محرکه شاخ‌های مجازی مثل سحر تبر، نه پول است، نه شهرت، بلکه طرفداران دوآتشه و زامبی‌مسلکشان است. کافی است بروید در صفحه یکی از این شاخ‌ها یک نقد بنویسید تا متوجه شوید که منظورم از زامبی چیست. چنان به حسابتان می‌رسند و فحش‌کشتان می‌کنند که عطای اینستاگرام را به لقایش می‌بخشید و الفرار. یک گروهشان برای سرگرمی و پیدا کردن سوژه خنده فالو کرده‌اند. یک گروه می‌خواهند راه و چاه شاخ شدن را یاد بگیرند و برای خودشان بدون هنر و تخصص، شهرت و ثروت دست‌وپا کنند. یک گروه هم هستند که فقط باشند، تا از بقیه عقب نیفتند. ایران با ۲۴میلیون کاربر اینستاگرامی، هفتمین کشوری است که بیشترین کاربر اینستاگرام را دارد، این درحالی است که ما براساس جمعیت، هجدهمین کشور پرجمعیت دنیا هستیم. کاربران اینستاگرامی ایران از کشورهایی مثل ژاپن و مکزیک که بیش از ۱۲۶میلیون جمعیت دارند، بیشتر است. نتیجه این حضور بی‌هدف در اینستاگرام، به‌وجود آمدن همین شاخ‌های مجازی است؛ شاخ‌هایی که زامبی‌ها را تغذیه می‌کنند و آرام‌آرام خودشان هم زامبی می‌شوند. باید یک ضرب‌المثل جدید بسازیم و از این به بعد بگوییم پشت‌سر هر شاخ اینستاگرامی موفق، کلی زامبی مجازی وجود دارد.

طرح: محمدرضا میرشاهولد/ شهرآرا

ستاره‌یاب

بازی ستاره یاب یک بازی منطقی جذاب و پرطرفدار است که برای اولین بار در مسابقات جهانی بازی‌های منطقی در سال ۲۰۰۳ از آن رونمایی واستقبال شد.

قوانین بازی: ۱. هر جدول به ۸منطقه تقسیم‌شده است که با خطوط پررنگ متمایز شده‌اند. ۲. باید در هر منطقه حتما یک ستاره قرار بدهید. ۳. در هر ردیف، ستون و منطقه نمی‌توان بیش از یک ستاره قرار داد. ۴. ستاره‌ها نباید چسبیده به هم قرار بگیرند (حتی مورب).

شماره ۵۴

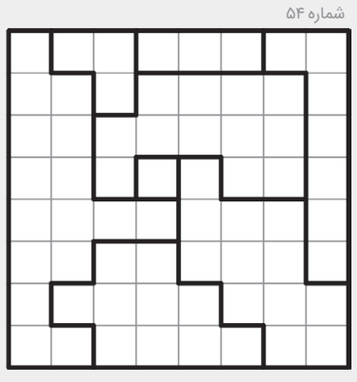

پاسخ شماره ۵۴

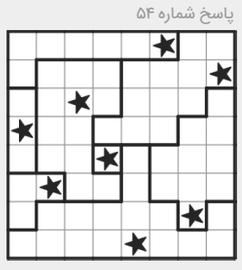

پل سازی

قوانین بازی: ۱. باید برای هر جزیره (دایره) به تعداد عددی که وسط آن نوشته شده است، پل (خطی که جزیره را به یکی از جزایر اطرافش وصل می‌کند) بسازید. ۲. تنها می‌توانید از خطوط راست عمودی یا افقی استفاده کنید و نمی‌توانید خطوط اریب یا اِل بکشید. ۳. بین ۲ جزیره بیش از ۲ پل نمی‌شود ساخت. ۴. پل‌ها نباید همدیگر را قطع کنند ولی در انتها همه جزیره‌ها باید به هم راه داشته باشند.

شماره ۹۳

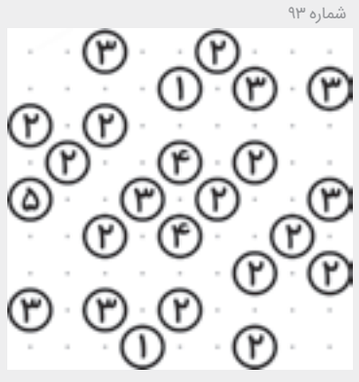

پاسخ شماره ۹۳

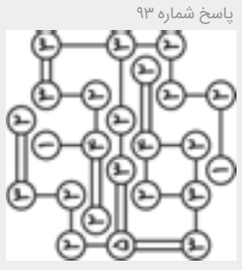

جدول ۲۷۸۵

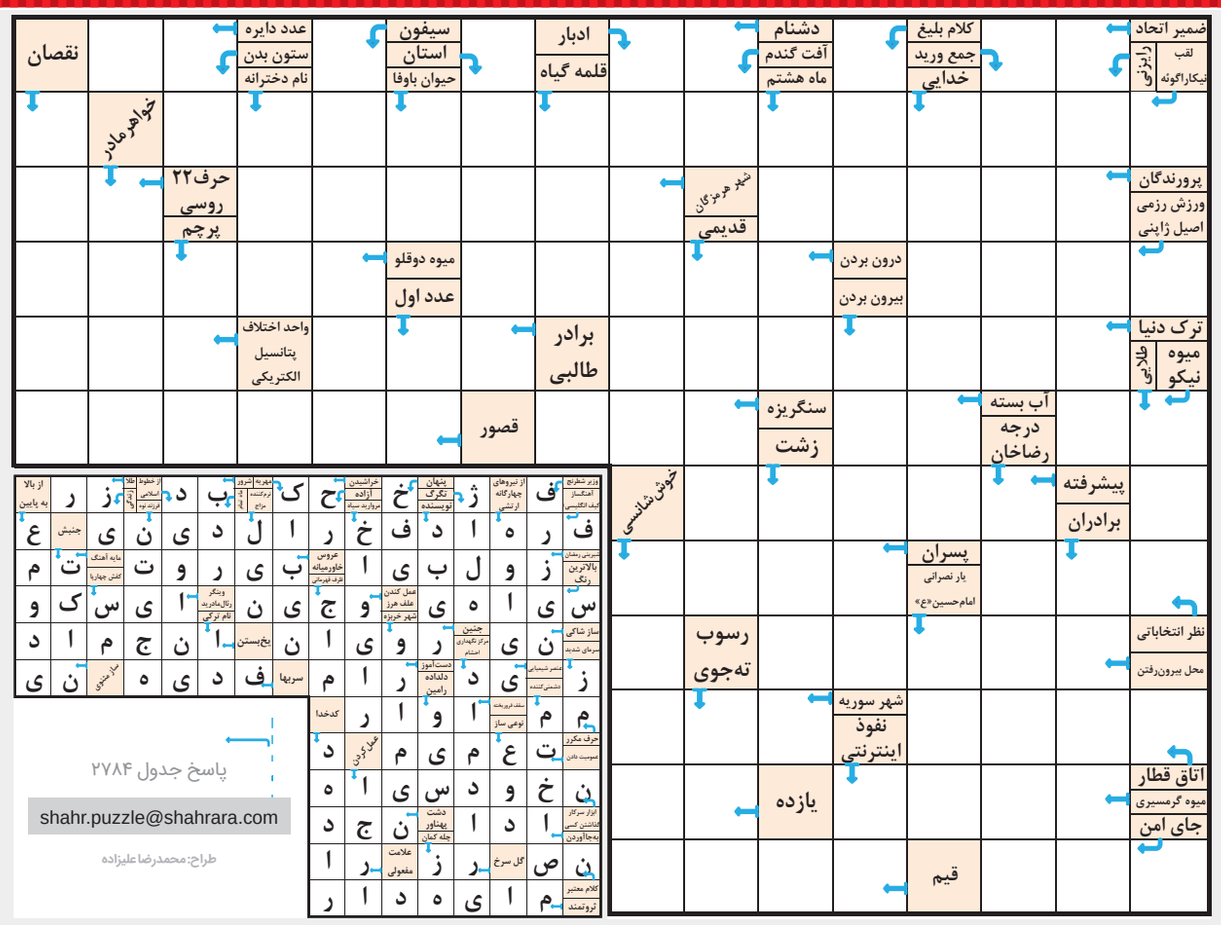

پاسخ جدول ۲۷۸۴

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

حاضرجواب

اسحاق جهانگیری: برای جبران کسری بودجه، دست در جیب مردم نمی‌کنیم.

البته اینکه ته جیبشون هم چیزی نمونده، در این قضیه بی‌تاثیر نیست!

علی اصغر مونسان (وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی): حمایت از صنعت گردشگری، صفر است.

وی ادامه داد: اصلا این چه وضعشه؟ کی پاسخ‌گویه؟ کدوم وزیر مسئول گردشگریه؟

ایسنا- سود مدارس از فروش لباس مدارس، چهاربرابر تولیدکنندگان است.

مدارس: دیدیم می‌گن گرفتن شهریه غیرقانونیه، زدیم تو کار فروش لباس فرم!

بازداشت یک مدیر ارشد جهادکشاورزی

مدیر ارشد جهادکشاورزی: در مرحله کاشت و داشت موفق بودم، ولی تو مرحله برداشت، بازداشت شدم.

پژوهشگران: آسپرین می‌تواند از ریه‌ها درمقابل آلودگی هوا محافظت کند.

یک دکتر: هر دفعه دو تا بذار توی دوتا سوراخ دماغت تا هوای آلوده تنفس نکنی!

کله ونگ

مُشتبا نخعی‌راد

«مِیتی» وَرچُپه گل مِزنه!

دداش چشتا روز بد نبینه، جلو تلویزیون دراز کشیده بودُم و داشـــتُم تخمه مشـــکوندُم و بازی دداش گُلُم «میتی طارمی» ره تو تیم دیوآوه اتریش نگا مکردُم، بر چی ایجور نگا مُکنن؟ تلویزیون که نُشون نمداده؟ یَره مُو از اوناش نیستُم، خنه همســـده‌ما رفته بودُم، دگه نمدنُم اونا کدوم کانال ره نـــگا مکردَن، برعکس خَیلی زِبون خارجی هم حرف مزَد که حالیم نمِرَفت. کار نِدرُم... یَگ‌دفه دیدُم کُرنـــل رفت و از اونجه توپ ره فِرستدَن هوا، تا رســـید رو دروازه، گزارشگر گفت: «میتی طارمی و گل»!

گفتُم یَره نگا کن، از یَگ طرَف «ســـردار آزمون» دره اونجه تو لیـــگ قهرمانان رکورد مزِنـــه و از یَگ طرف همی «میتی طارمی» که ایقـــذه کله‌وَنگش مرَفتم و بذش مُگفتم توپاش گل نِمره و مســـقره‌اش مکردم، اَیجور دره اَبروی بچه‌های قلـــه ره مخره. دگه از خود بیخورد رفتُم و ایقذه خوشحالی بعد گل کردُم که دوَلخ شد و یَگ‌دفه لوستر همســـده کنده رفت و خورد تو کله‌ام. داشتُم آخ‌واوخ مُگفتُم که همسده خُلقش تنگ رفت و گفت: «دداش دری چـــکا مُکنی؟ بایَس توون بدی، بعدشم طارمی زده تو دروازه خودشا!»

مُـــو ره مگی خَیلی حالـــم گرفته رفـــت. بعد گفتُم مشـــکلی ندره، ما اینجه درِم خَیلی بذش ســـخت مگیرم، اونجه ای چیـــزا طبیعیه و کار نمِگیرَن. ولی وقتی رفتُم تو اینترنت، دیدُم یگ سایت خارجی دره مگه: «طارمی دره مث همیشـــه گل مزنه، فقط ای دفه تو حساب کردَن اشـــتباه کرده و وَرچُپه رفته و زده تو دروازه خودشا.» گفتُم نه، ای دره پیازداغش ره زیاد مُکنه. واز دیدُم یگ ســـایت دگه نوشـــته: «طارمی وازم گل مزنه، ولی برای رقیب مزنه و بازی ره مساوی مُکنه.»

از الان گفتـــه باشُـــم دداش، جنس بنجُـــل ره بخن وَرگردونن، قبول‌دار نمِرم ها! یَگ زمانی که مُشُد گل بزنه و تو جـــام جهانی بِرم بالا، نـــزَد، حالا که دره گل مزنه، دگه خَیلی مشکل ندره، وقتی وَرمگرده تو زمین خودتا، براش یارگیر بذرن، حله!